

ژوريس كارل اوئيسمانس

پيراه

ترجمهء كاوه ميرعباسى



زندگانی و آثار اوئیساماس و رمان بیراه

شارل ماری ژرژ اوئیساماس در ۵ فوریه ۱۸۴۸ در پاریس، از مادری فرانسوی - الیرات مالوینا سادن - و پدری هلندی - ویکتور گوتفلاید اوئیساماس - متولد شد او بعدها، آثارش را با نام ادبی ژوریس کارل (که شکل هلندی اسامی ژرژ و شارل هستند) اوئیساماس منتشر کرد

دو رویداد دوران کودکی اش را عمار کرد مرگ پدرش در ۱۸۵۶ (هنگامی که طفلی هشت ساله بود) و اردواج مجدد مادرش با ژول اوگ در ۱۸۷۵ حاصل این رنایشویی دو دختر، ژولیت و سلاتش، بود اوئیساماس هرگز نتوانست محنت ناپدری اش را به دل نگیرد

در ۱۸۶۶، اوئیساماس در مقام کارمند دفتری به استخدام وزارت داخله درآمد و سی و دو سال در آنجا خدمت کرد به موازات کار در وزارتخانه در دانشکده حقوق هم ثبت نام کرد ولی تحصیل در این رشته را ناتمام گذاشت در ۱۸۷۰، با آغار حنگ میان فرانسه و پروس، به ریر پرچم فراخوانده شد، ولی هرگز پایش به میدان کارزار نرسید بیمی از دوران حنگ را، به علت ابتلا به دیسانتری (التهاب روده سررگ همراه با دفع مدفوع آنکی یا خون آلود)، در بیمارستان بستری بود، و بیم دیگر را، ریر آتش توپها و

گلوله‌ها، در پاریس تحت محاصره گذراند، با استقرار صلح، به سرکار سائقش نارگشت

در ۱۸۷۴، نخستین کتابش، ادویه‌دان را، که مجموعه‌ای از اشعار مشور به شیوه بودلر است، منتشر کرد سپس به نگارش رمان روی آورد حاصل طبع‌آرمایی‌اش در این ژانر ادبی داستان مارت (۱۸۷۶) بود این رمان با الهام از رابطه عاشقانه میان نویسنده و ربی ناریگر نگاشته شده بود

در ۱۸۷۶، از طریق دوستی، با رولا آشنا شد و به دعوت و پیشنهاد او به «محل مدان» پیوست، که جمعی نویسندگان حوان ناتورالیست مرید امیل رولا را شامل می‌شد، گی دو مویاسان بیر از جمله اعصابی این گروه بود در ۱۸۷۹، رمان حواهران وادار را به چاپ رساند و آن را به استادش تقدیم کرد

در ۱۸۸۰، رولا و مریدانش مجموعه‌ای داستان کوتاه را، که مضمون همگی شان جنگ فراسه و پروس بود، منتشر کردند که باعث بحالی نسبتاً گسترده شد و عقاید مخالف و موافق بسیاری را برانگیخت داستان کوتاه کوله‌پشت بر دوش، اثر اوئیسماس، که ملهم از تحریبات شخصی او در دوران جنگ بود، و داستان پلی، یکی از برجسته‌ترین آثار مویاسان، که برخی منتقدان آن را شاهکار او قلمداد کرده‌اند، در این مجموعه گنجانده شده بودند

چند هفته بعد، کتاب دیگری به قلم اوئیسماس، که شامل مجموعه‌ای قطعات کوتاه بود و با اولین اثرش، ادویه‌دان قرانت‌هایی داشت، تحت عنوان طرح‌های پاریسی به چاپ رسید.

در همین ایام، اوئیسماس در زمینه نقد هری بیر صاحب‌نام و بلندآواره شد، توانایی پرشورش در تهاجم و تحسین حتی از منتقدانی که درباره اشعار و داستان‌هایش می‌نوشتند بیشتر بود و به گونه‌ای چشمگیر از آسان پیشی می‌گرفت در رساله‌هایی فوق‌العاده پر معر، که تحت عنوان هر مدرن (۱۸۸۳) گردآوری و منتشر شدند، نقاشی رسمی و آکادمیک رمانه‌اش را آماج انتقادات گرنده‌اش ساخت، و در عوض، به دفاع از آثار نقاشانی حاشیه‌بشین،

نظیر ادگار دگا، کامیل پیسارو و پل گوگن برحاست، که عملاً نادیده گرفته می‌شدند

سومین رمان ناتورالیستی اوئیسماس، زندگانی مشترک، در ۱۸۸۱ به پایان رسید و روانه بازار شد، این اثر به‌مرله برگذاشت گوستاو فلوبر بود، که در رمان انتشار آن دیگر در قید حیات بود

کتاب بعدی‌اش، رمان کوتاهی به نام فرود آب (۱۸۸۲)، ماحرای تراژدی-کمدی کارمند دون‌پایه‌ای به نام ژان فولانتش است، که می‌توان او را شخصیتی هم‌سرشت خود اوئیسماس، ولی سال‌خورده‌تر، تهیدست‌تر و ضعیف‌السیه‌تر، به‌شمار آورد در این اثر نشانه‌هایی یافت می‌شدند دال بر اینکه اوئیسماس قصد نداشت همه عمر را در مسیر ناتورالیسم راه سپارد و به آفرینش آثار مستند و متکی بر صحت علمی درباره تیره‌روری و مسکنت جامعه بسنده کند قدر مسلم این بود که او، دیر یا رود، از نظریات رولا و اصول سیادین ناتورالیسم روی‌گردان می‌شد

اوئیسماس قاطعانه تصمیم گرفت تا دست به عملی بلندپروازانه نبرد، «اندیشه‌های او پیش تعیین شده را از دهش نتاراند، گستره رمان را وسعت بخشید، نقاشی، علم و تاریخ را به قلمرو داستان راه دهد در یک کلام، این گونه ادبی را صرفاً به‌مثابه چارچوب و قانی به‌کار گیرد که مصامین و مقوله‌های بسیاری را دربرمی‌گرفت» حاصل این تلاش حلق رمان سراه (۱۸۸۴) بود، که شاهکار اوئیسماس و برجسته‌ترین اثر مشور «مکتب انحطاط» قلمداد می‌شود او با نگارش این اثر، وارد مرحله نویسی از آفرینش ادبی خویش شد و با ناتورالیسم، استاد سال‌خورده‌اش، امیل رولا، و دیگر همراهان پیشین‌اش پیوند گسست

از دیگر رمان‌های برجسته او که در قلمرو «مکتب انحطاط» می‌گنجد می‌توان به دوراهی (۱۸۸۷)، در سدر و آنجا (۱۸۹۱) اشاره کرد، اثر احیر از جمله مهم‌ترین و ماندگارترین نوشتارهای اوئیسماس است که فرایند تحول شخصیت و منش پرسوناژ اصلی آن، دورتال، را در سه رمان دیگری پی می‌گیرد